



آداب سفر

در دایرة المعارف فقه شیعه (جواهر الکلام)

■ ولی الله ملکوتی فر*

چکیده

فقهای بزرگوار ما در کتاب حج - با توجه به اهمیت ویژه این سفر معنوی و اثری که در انسان دارد - آدابی را از مجامع حدیثی استخراج و تبیین کرده‌اند که عمل به آن‌ها در رسیدن به هدف واقعی حج، بسیار مؤثر است و به روح و روان انسان جان تازه می‌بخشد. بیشتر مطالبی که در این نوشته بررسی گردیده، بر مبنای حدیثی است که امام صادق علیه السلام در حدیث حماد بن عیسی از وصیت لقمان بیان می‌کند.

میقات

شماره ۷۵ بهار، ۱۳۹۱

۱۴

* عضو هیأت علمی گروه الهیات

کلید واژه‌ها: سفر، آداب، صاحب جواهر، نماز.

مقدمه

همه ساله افراد زیادی به سفرهای زیارتی؛ مانند حج، عمره، عتبات عالیات، سوریه و مشهد رضوی و دیگر اماکن مقدّس می‌روند، ولی هدف اصلی زیارت که تغییر رفتار و الگو گرفتن از بزرگان و در نهایت قرب الهی است، کمتر حاصل می‌شود. برای نمونه، از هدف‌های مهم در تمام زیارت‌ها، توجه بیشتر به واجبات دینی است؛ مانند نماز، پرداخت خمس، رعایت حق الناس و... لیکن در عمل می‌بینیم که در بسیاری از زائران تحوّل لازم به وجود نیامده است. یکی از علت‌های عمده آن، این است که با اسرار، آداب و اخلاق در سفر آشنایی لازم نداریم و حال آن که در کتاب‌های فقهی، اخلاقی، تفسیری و حدیثی، مطالب بسیار مفیدی وجود دارد که عمل به آن‌ها دگرگونی عجیبی در زندگی فردی و اجتماعی مسافر ایجاد می‌کند.

ما برای رسیدن به این هدف والا، آداب سفرهای زیارتی را از کتب گوناگون استخراج کرده‌ایم که اهم آن‌ها دایرةالمعارف شیعه؛ یعنی جواهرالکلام و کتاب‌های «المحجّة البیضاء» و «وسائل الشیعه» می‌باشد.

امید است با عمل به آنچه به عنوان ویژگی‌های سفرهای زیارتی در پیش رو داریم بتوانیم گامی هر چند کوچک در تعالی جامعه اسلامی برداریم.

ویژگی‌ها و آداب سفرهای زیارتی

۱. وصیت کردن

سفر همراه با خطر است، بنابراین، مسافر باید آمادگی بیشتری برای سفر آخرت داشته باشد. ابن ابی عمیر در حدیث مرسله‌ای از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «مَنْ رَكَبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ»^۱ «کسی که سوار بر مرکب می‌شود (به مسافرت می‌رود) باید وصیت کند».

۲. انجام غسل سفر

مرحوم یزدی در کتاب عروة الوثقی، غسل ها را تقسیم به سه کرده، می نویسد:

«زمانی، مکانی و فعلی و برای هر یک مصادیقی بیان می کند. غسل سفر را، هم می توان در ذیل غسل های فعلی و هم غسل های مکانی قرار داد، لذا شایسته است زائران پیش از تشریف به اماکن مقدس، از غسل غفلت نکنند بلکه زینده است که هر وقت انسان استحمام می کند همراه با اغسال دیگر، غسل توبه از گناه را نیز نیت کند.»^۲

صاحب جواهر می نویسد:

«از جمله اغسال فعلیه، غسل برای کسی است که می خواهد سفر برود؛ به خصوص سفر زیارت امام حسین علیه السلام به خاطر روایت مرسلی که ابن طاووس در «امان الاخطار» آورده و خبری که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در خصوص زیارت سیدالشهدا علیه السلام نقل می کند:

«إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَصُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِذَا أُمْسَبْتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ، ثُمَّ قُمْ فَانظُرْ فِي نَوَاحِي السَّمَاءِ وَ اغْتَسِلْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ قَبْلَ الْمَغْرَبِ، ثُمَّ تَنَامْ عَلَى طَهْرٍ، فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشَى إِلَيْهِ فَاغْتَسِلْ وَ لَا تَطَيَّبْ وَ لَا تَدَهِّنْ وَ لَا تَكْتَحِلْ حَتَّى تَأْتِيَ الْقَبْرَ.»^۳

«هرگاه خواستی به زیارت سیدالشهدا علیه السلام بروی، سه روز؛ روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه روزه بگیر، در شب جمعه نماز شب بخوان، سپس به اطراف آسمان نگاه کن و قبل از مغرب آن شب غسل کن و با طهارت بخواب و وقتی خواستی به زیارت بروی غسل کن، از بوی خوش و روغن و سرمه استفاده نکن تا این که به نزدیک قبر شوی.»

شیخ بهایی در باره مستند غسل توبه می نویسد:

«مستند غسل توبه از فسق و معصیت، روایتی است که شیخ طوسی رحمته الله (۳۸۵-۴۶۰) در تهذیب الاخبار، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که مردی به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من همسایگانی دارم و آنان کنیزانی دارند که آواز می خوانند و عود می نوازند و بسا اتفاق می افتد که به دستشویی می روم و برای گوش دادن آوازیهای آنان، نشستن خود را طولانی می کنم. تکلیف من چیست؟ حضرت فرمود: چنین نکن! عرض کرد: به خدا سوگند من به پای خود به آن عمل نمی روم، فقط سماعی است که با گوش خود می شنوم. امام علیه السلام فرمود: قسم به عظمت خدا، که نباید چنین کنی. آیا سخن

خدا را نشنیده‌ای که فرمود: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۴ «گوش، چشم و قلب، همه این‌ها در روز قیامت مورد سؤال قرار می‌گیرند». مرد گفت: گویا این آیه را نشنیده بودم، آن عمل را ترک و استغفار می‌کنم. امام علیه السلام خطاب به وی فرمود: برخیز و غسل کن و هر چه توانستی نماز بخوان! تو پرتگاه گناه بزرگی ایستاده بودی و چقدر حال تو بد بود، اگر در چنین حالی از دنیا می‌رفتی؟! از خداوند طلب مغفرت کن و توبه بخواه، از هر چیزی که مکروه می‌دارد و خدا جز قبیح چیز دیگری را مکروه نمی‌شمارد... قبیح را به اهل خود واگذار، چون هر چیزی اهل‌ی دارد.»^۴

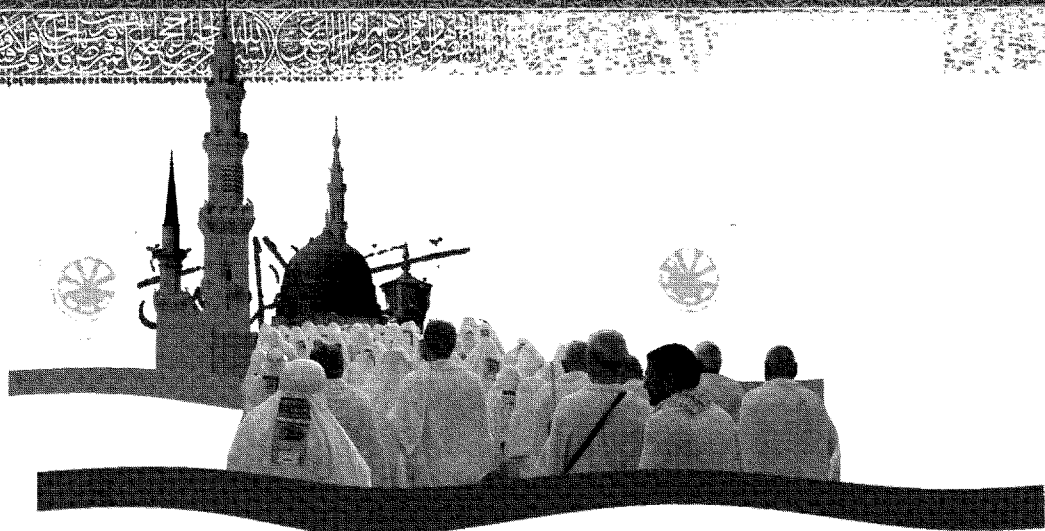
شایان ذکر است که سمرقندی در تفسیر خود، ذیل آیه ۳۶ سورة بنی اسرائیل؛ ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ...﴾ حدیث مذکور را نقل کرده.^۵

۳. پرداخت صدقه

وجود مبارک امام سجاد علیه السلام وقتی می‌خواستند مسافرت کنند، با دادن صدقه، سلامتی خود را می‌خریدند. پرداخت صدقه را موکول می‌کردند به زمانی که سوار بر مرکب می‌شدند و وقتی به سلامت به مقصد می‌رسیدند حمد و شکر الهی را انجام می‌دادند و هر چه فراهم می‌شد صدقه می‌دادند.^۶

مرحوم بحرانی در کتاب «الحدائق الناضرة» می‌نویسد:
«مستحب است هنگام صدقه دادن بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِيَ فَسَلِّمْ مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».^۷
صدقه نحس بودن سفر را در ایامی که مکروه است از بین می‌برد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تَصَدَّقْ وَأَخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ»؛^۸ «صدقه بده و هر زمان خواستی سفر کن».
حماد بن عثمان به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا سفر در بعضی از روزهای نحس، مانند چهارشنبه و مانند آن مکروه است؟ فرمود: سفر را با صدقه آغاز کن و هر گاه خواستی سفر کن و آیه الکرسی را بخوان^۹ و نیز از آن امام همام علیه السلام نقل شده: هر کسی که صبحگاه صدقه بدهد، خداوند نحوست آن روز را از او دور می‌کند.»^{۱۰}

و نیز در حدیث وارد شده: «صدقه بلای قطعی را از بین می‌برد»^{۱۱} بلکه صدقه بلا را بعد از مرگ دفع می‌کند تا چه رسد در حال حیات.»



صاحب جواهر بعد از بیان احادیث فوق می نویسد: «چه بسا از آنچه گفته شد استحباب دو بار صدقه دادن استفاده شود؛ یکی به هنگام شروع سفر و دیگری به هنگام سوار شدن بر وسیله نقلیه و ممکن است منظور یک صدقه باشد البته بدون شک صدقه زیاد دادن بهتر است.»
 آنچه الآن متعارف است، این است که یکبار به هنگام خروج از منزل صدقه می دهند و بار دیگر به هنگام سوار شدن بر مرکب بلکه مقتضی حدیث اول استحباب صدقه به هنگام سالم رسیدن به وطن نیز می باشد.^{۱۲}

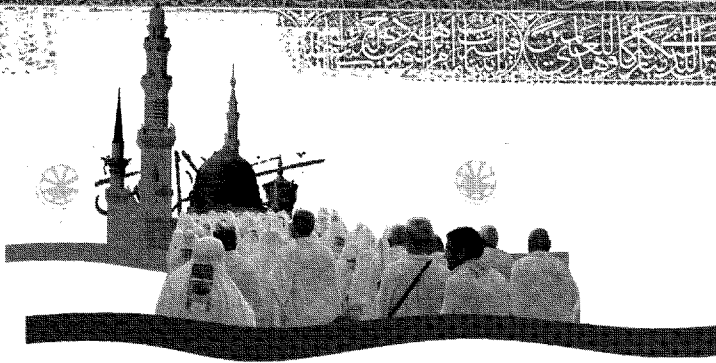
۴. خواندن دعا

یکی دیگر از مستحبات سفر، خواندن دو رکعت نماز است. امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله بر استحباب دو رکعت نماز به هنگام مسافرت تأکید کرده است.^{۱۳}
 پیامبر فرمود: شخص به هنگام مسافرت چیزی بهتر از دو رکعت نماز برای خانواده اش از خود باقی نمی گذارد و پس این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي...»

شیخ حر عاملی در ادامه این دعا می نویسد: «کسی که این دعا را نمی خواند مگر این که خداوند حاجت او را بر آورده می کند.»^{۱۴}

صاحب جواهر اینگونه ادامه می دهد: «بهتر از این دعا، دعایی است که سید بن طاووس در امان الأخطار از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده و آن این است که:



«مَا اسْتَخْلَفَ الْعَبْدُ فِي أَهْلِهِ مِنْ خَلِيفَةٍ إِذَا هُوَ شَدَّ ثِيَابَ سَفَرِهِ خَيْرٌ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ يُصَلِّيَهُنَّ فِي بَيْتِهِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ فَاجْعَلْنَنِّي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَمَالِي»^{١٥}.

«هرگاه بنده ای عازم سفر است، چیزی را بهتر از چهار رکعت نماز که در هر رکعت آن سوره فاتحه و اخلاص را بخواند، از خود به جای نمی گذارد و در نماز این دعا را می خواند: خدایا! من با این نمازها به تو تقرب جستم پس آن را جانشین من در خانواده و مالم قرار ده!»

و نیز یزید بن معاویه عجلی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا أَرَادَ سَفْرًا جَمَعَ عِيَالَهُ فِي بَيْتٍ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْغَدَاةَ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي الشَّاهِدَ مَنَّا وَالْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكِ اللَّهِ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَّا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ»^{١٦}.

«امام باقر علیه السلام هرگاه عازم سفر می شد، اهل خانه و فرزندان را در خانه جمع می کرد و در میان آنان، اینگونه دعا می کرد: خدایا! من عازم سفرم، لذا خود و خانواده و فرزندانم؛ آنان را که حاضرند و آنان را که غایب اند به تو سپردم. خدایا! به ما توجه کن و حافظمان باش! خدایا! ما را در جوارت پناه ده، بار الها! نعمت را از ما مگیر و سلامتی و فضلت را تغییر نده.»

۵. قرائت سوره حمد و آیه الکرسی

از امام معصوم علیه السلام نقل شده که در سمت راست و چپ و جلو مسافر سوره حمد و آیه الکرسی و دعای مخصوص خوانده شود.^{١٧}

صاحب جواهر در دلیل فتوای خود، این حدیث را بیان می کند:

«قال أبو الحسن علیه السلام في خبر الهداء المروي في الفقيه و موضع من الكافي: لو كان

الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا قَامَ عَلَى بَابِ دَارِهِ تَلْقَاءَ وَجْهِهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ الْحَمْدَ أَمَامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ، وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».^{۱۸}

«... هر گاه شخصی از شما قصد سفر داشت، جلو در ایستاده، به سمت راست و چپ سوره حمد و آیه الکرسی بخواند، آنگاه بگوید: خدایا! مرا و آنچه متعلق به من است، حفظ کن و سالم بدار و مرا و آنچه با من است به مقصد برسان. کسی که این اعمال را انجام دهد، خداوند او و آنچه متعلق به اوست را حفظ می کند و سالم به مقصد می رساند.»

در وسائل الشیعه معوذتین را نیز در متن حدیث آورده و نیز کلینی در سه مورد حدیث را بیان کرده که در یکجا معوذتین و توحید را نیامده است.

درباره آیه الکرسی نقل شده است که:

«إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَذُرْوَةُ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ، مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الْآخِرَةِ، أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا الْقَفْرُ وَ أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الْآخِرَةِ عَذَابُ الْقَبْرِ، وَإِنِّي لِأَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى صُعودِ الدَّرَجَةِ».^{۱۹}

«برای هر چیزی نقطه اوجی است و نقطه اوج قرآن، آیه الکرسی است. کسی که یک بار آن را بخواند خداوند هزار ناپسند دنیوی و هزار ناپسند اخروی را از او برطرف می سازد. آسان ترین ناپسند دنیوی فقر است و آسان ترین ناپسند اخروی عذاب قبر و من برای صعود به بلندی از آن کمک می گیرم.»

و نیز وارد شده چون چیزی را ببیند که بترسد، آیه الکرسی را بخواند.^{۲۰}

سید نعمت الله جزائری رحمته الله علیه می گوید: «قرآن و آیاتش شفای تمام امراض است؛ به خصوص آیه الکرسی فواید آن را بنده و دیگران تجربه کرده اند... در حدیث آمده: «کسی که یک مرتبه آیه الکرسی بخواند، خداوند یک فرشته را برای محافظت او می فرستد، وقتی دوبار بخواند دو فرشته را می فرستد تا او را حفظ کند و به همین منوال تا پنج مرتبه، وقتی پنج بار بخواند خداوند به ملائکه می فرماید: رهایش کنید خودم از او محافظت می کنم.»^{۲۱}

۶. خواندن «سوره قدر»

در سفر به خصوص حج تمتع مواقعی پیش می آید که گریزی از پیاده روی نیست. تلاوت سوره قدر سبب می شود که خستگی راه را احساس نکنند و اگر به هنگام سوار شدن بر مرکب خوانده شود، سالم و آمرزیده به مقصد می رسد. امام کاظم علیه السلام فرمود:

«لَوْ حَجَّ رَجُلٌ مَاشِيًا، فَقَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، مَا وَجَدَ أَلَمَ الْمَشْيِ وَقَالَ مَا قَرَأَ أَحَدٌ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يَرْكَبُ دَابَّةً إِلَّا نَزَلَ مِنْهَا سَالِمًا، مَغْفُورًا لَهُ، وَتَقَارَنُهَا أَثْقَلُ عَلَى الدَّوَابِّ مِنَ الْحَدِيدِ».^{۳۲}

«حج گزاری که پیاده می رود، اگر سوره قدر را بخواند خستگی راه رفتن را احساس نخواهد کرد. احدی سوره قدر را به هنگام سوار شدن بر مرکب نمی خواند، مگر این که سالم و آمرزیده به مقصد می رسد. کسی که این سوره را می خواند، بر چهارپا از آهن سنگین تر است.»

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَقُلْتُ: قَارِئُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، حِينَ يُسَافِرُ أَوْ يُخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ، سَيْرًا».^{۳۳}

«اگر از من بپرسند آیا چیزی هست که به قدر الهی سبقت بگیرد؟ هر آینه خواهم گفت آن کسی است که به هنگام مسافرت یا خروج از منزل سوره قدر بخواند.»

و احادیث دیگر که از احصای آن ها، معذوریم و دشوار است.

۷. ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که چون خواستی حج یا عمره به جا آوری، دعای فرج را بخوان و آن عبارت است از:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ» ۲۴

از جمله دعاهاى کوتاه و اثرگذار در سفر، دعای زیر است که بسیاری از بزرگان نقل کرده‌اند؛ و آن را برای حفظ خود و اثاثیه بخوانید: «يَا حَافِظًا لَا يُنْسَى، وَيَا مَنْ نِعْمُهُ لَا تُحْصَى، أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾» ۲۵

و در حدیث ابو حمزه آمده است که انسان به هنگام سفر، سه بار الله اکبر بگوید و سه بار بگوید: «بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَبِاللَّهِ أَدْخُلُ وَ عَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ...» و آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ قِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ، أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». ۲۶

در صحیحہ معاویة بن عمار آمده است: به هنگام سفر می‌گویی:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ثُمَّ قُلْ: بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ، وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَقَدَّمُ بَيْنَ يَدَيَّ نِسْيَانِي وَ عَجَلْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ، وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ؛ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِلْنَا الْأَرْضَ، وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا، وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَ كَابَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَ نَاصِرِي، بِكَ أَحُلُّ وَ بِكَ أَسِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا السَّرُورَ، وَ الْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بَعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِي فِيهِ، وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ هَذَا حِمْلَانُكَ، وَ الْوَجْهُ وَجْهُكَ، وَ السَّفَرُ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَطْلَعْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ، فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَ كُنْ عَوْنًا لِي عَلَيْهِ، وَ اخْفِنِي وَ عَنَّهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ لَقْنِي مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ رِضَاكَ؛ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ» ۲۷

۸. دعا به هنگام سوار شدن بر مرکب

امام صادق علیه السلام چون بر مرکب سوار می شدند می فرمودند: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ».^{۲۸}

و هفت مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت.^{۲۹}

و نیز از امام کاظم علیه السلام نقل شده که اگر کسی این آیه شریفه را به هنگام سوار شدن بر مرکب بخواند؛ چنانچه دچار سانحه شده از مرکب سقوط کند، به او به اذن خدا آسیبی نخواهد رسید. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی شخصی سوار بر مرکب می شود و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می گوید: خداوند ملکی را مأمور می کند که او را محافظت کند تا به مقصد برسد... در آیات شریفه قرآن هم به این که خداوند فرشتگانی را مأمور حفظ انسان کرده، تصریح شده؛ از جمله آیه یازدهم سوره مبارکه رعد: ﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ آلٍ﴾.^{۳۰}

۹. تسبیح، تکبیر و تهلیل

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سفر وقتی به اماکن پست می رسیدند، سبحان الله می گفتند و چون به اماکن بلند می رسیدند، الله اکبر و لا اله الا الله می گفتند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ مَا هَلَّلَ مَا هَلَّلَ وَ لَا كَبَّرَ مَكْبَرًا عَلَىٰ شَرَفٍ مِّنَ الْأَشْرَافِ إِلَّا هَلَّلَ اللَّهُ مَا خَلَقَهُ وَ كَبَّرَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ بِتَهْلِيلِهِ وَ تَكْبِيرِهِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ مَقْطَعِ التُّرَابِ».^{۳۱}

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که جان من در دست اوست، هیچ شخصی لا اله الا الله و الله اکبر در بلندی نمی گوید مگر این که آنچه در پشت سر و روبه روی او هستند با او هماهنگ هستند تا این که به سرزمین هموار برسد.»



۱۰. ورود به مکان جدید

وقتی به مکان ترسناک وارد شد بگوید:

﴿رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾^{۳۳}

در آیه کریمه از خداوند خواسته شده که در هر حال مرا اعانت کن؛ چه در وقت وارد شدن به جایی چه در وقت خروج از آنجا و معلوم است کسی که از نصرت الهی برخوردار باشد، ترس برای او مفهومی نخواهد داشت.

به هنگام خواب تسیحات حضرت فاطمه علیها السلام و آیه الکرسی را بخواند.^{۳۳}

۱۱. مستحب است روز شنبه را برای سفر انتخاب کند

دلیل این مطلب حدیثی است که ذیل آیه شریفه: ﴿فَاِذَا قُضِيَتْ الصَّلٰوةُ...﴾ وارد شده و آن حدیث این است: ﴿الصَّلٰوةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْاِثْتِثَارُ يَوْمَ السَّبْتِ﴾^{۳۴}
معصوم علیه السلام فرموده است: شنبه را برای مسافرت انتخاب کنید. اگر در روز شنبه سنگی از کوه کنده شود، خداوند آن را به مکانش برمی گرداند و هر کس که حاجتی داشت روز سه شنبه سفر کند، شنبه روزی است که خداوند آهن را برای داود نرم کرد.^{۳۵}

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَخْرُجْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي حَاجَةٍ، فَاِذَا كَانَ يَوْمُ السَّبْتِ وَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَاخْرُجْ فِي حَاجَتِكَ»؛ «روز جمعه برای حاجت و نیازت سفر نکن، بلکه از روز شنبه، بعد از طلوع خورشید مسافرت کن.»^{۳۶}

برای هر یک از ایام هفته و روزهای ماه، برای مسافرت احکامی معین شده که ما جهت خودداری از اطالۀ کلام، از بیان آن اجتناب می کنیم. مشتاقان به کتاب گرانسنگ جواهر الکلام، کتاب حج، بحث «آداب سفر» رجوع نمایند.

۱۲. همراه داشتن مقداری از تربت امام حسین علیه السلام

تربت سید الشهداء علیه السلام موجب امنیت در سفر^{۳۷} و شفای بیماری خواهد بود؛ به ویژه که از آن سبحة بسازد... آن را بیوسد و بر چشم خود نهد و بگوید: «اللَّهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ

صَاحِبَهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ
أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ».^{۳۸} انجام این کار در صبح و شام مطلوب است.

۱۳. به همراه داشتن انگشتر عقیق و فیروزه^{۳۹}

مرحوم صاحب چواهر به دست داشتن انگشتر عقیقی را که یک سمت آن: «ما شاء الله لا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و سمت دیگر آن «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ» حکم شده باشد، مستحب می‌داند و این
در امنیت و سلامتی مسافر مؤثر است و دستورات دینی صائب تر است و نیز انگشتر فیروزه‌ای که در
یک جانب آن «الله المَلِكُ» و بر طرف دیگر آن «المَلِكُ اللهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» باشد. امان از درندگان و
پیروزی در جنگ است. ممکن است قبول این مطلب برای بعضی سخت باشد ولی نباید فراموش کرد
که زمانی قبول این مطلب برای انسان سخت بود که چطور طلا برای زن مفید و برای مرد مضر باشد
ولی اکنون علم پزشکی ثابت کرده و از طرفی به یاد داشته باشیم که این سینا با آن نبوغ حیرت‌آوری
که داشت، می‌گفت: اگر چه پذیرش معاد جسمانی از نظر عقلی دشوار است اما چون صادق مصدق
و نبی مکرم فرموده، ما قبول می‌کنیم. آری، مشهور است که این سینا به هنگام مردن می‌گفت: «نَمُوتُ
وَلَيْسَ لَنَا حَاصِلٌ *** سِوَاءَ عِلْمِنَا أَنَّهُ مَا عَلِمَ»؛

۱۴. پیمودن راه اصلی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ... وَالْجَادَّةُ وَ إِنِ دَارَتْ...»^{۴۰} «بر شما باد حرکت و سفر از
جاده و راه اصلی، هر چند پیچ و خم داشته باشد.»

راه اصلی ممکن است طولانی‌تر باشد اما چون از خطرات احتمالی در امان است، برای سفر
مناسب‌تر است. افزون بر آن، اگر مرکب دچار مشکل شود و یا با کمبود زاد و توشه مواجه گردد، در
راه اصلی و جاده می‌تواند خودش را نجات دهد. تجربه نشان داده که در مجموع پیمودن راه اصلی به
مراتب از راه‌های فرعی بهتر است.

مرحوم شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر در پایان بحث مسائل مربوط به سفر می نویسد:

«شایسته است مسافران به مضمون حدیثی از حماد بن عیسی که به نقل امام صادق علیه السلام آورده و در وصیت لقمان است، عمل کنند. بر این حدیث فواید زیادی هست.^{۴۱}»

۱۵. مشورت با هم سفران

امام صادق علیه السلام: «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَكَ إِيَّاهُمْ فِي أَمْرِكَ وَأُمُورِهِمْ».^{۴۳}

«لقمان به فرزندش گفت: هر گاه در سفر با گروهی همراه شدی، در کارهای مربوط به خودت و آن‌ها با ایشان زیاد مشورت کن.»

وقتی کاری با مشورت انجام شود، چون نتیجه تفکر چند نفر است، به صواب نزدیکتر است: «وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»؛^{۴۴} «کسی که با مردان مشورت می کند در عقلشان شریک است.» ولی کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاک می شود؛ «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ». تصمیمی که با مشورت جمع گرفته شود، اگر با مشکلی مواجه گردد، تحمل آن آسان تر و با اعتراض کمتری مواجه خواهد شد. سیره عملی بزرگان هم بر این بوده که در تصمیم گیری های خود، به نظریه جمع احترام قائل بوده اند.

۱۶. دست و دل باز بودن

نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام در سفر دست و دل باز بودند؛ مثلاً امام سجاد علیه السلام وقتی عازم سفر حج می شدند، بهترین خوراکی ها و آجیل را همراه خود بر می داشتند؛ «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا سَافَرَ إِلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ،

تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللَّوْزِ وَ السُّكَّرِ وَ السَّوِيقِ الْمُحَمَّصِ وَ الْمُحَلِيِّ».^{۴۶} آنان در ضمن دیگران را هم به داشتن چنین صفتی تشویق می کردند. پیامبر اعظم ﷺ به همراه داشتن زاد و توشه خوب را نشانه شرافت و بزرگواری شمرده، فرمودند: «مَنْ شَرَفَ الرَّجُلَ أَنْ يُطَيَّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ».^{۴۷}

امام به حق ناطق، حضرت صادق علیه السلام می فرماید: مسافر باید غذای خوب به همراه داشته باشد؛ «إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سَفْرَةَ وَ تَتَوَقَّأُوا فِيهَا».^{۴۸}

و حتی در حدیثی، حرمت اسراف در سفر حج و عمره، از استثناها شمرده شده است؛ «مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ وَ بَعْضِ الْإِسْرَافِ إِلَّا فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ».^{۴۹}

۱۷. انتخاب دوست؛ «الرفیق ثم الطریق»

در لسان احادیث، از سفر کردن به تنهایی، با تعبیرهای گوناگون نهی شده است؛ لذا گفته اند: «الرَّفِیقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ». اول انتخاب رفیق و همراه سفر و سپس آغاز حرکت.

طبق معمول، سفر کردن، همراه با سختی‌ها و دشواری‌ها و بیماری‌ها و حوادث است. اگر دوستان خوبی به همراه انسان باشند، می توانند در رفع مشکلات به یکدیگر کمک کرده، رنج سفر را بر خود هموار سازند و بتوانند تحمل کنند. علاوه بر این، دوست خوب و موافق، مایه انس و دلگرمی است و لذت سفر را دو چندان می کند.

۱۸. تبسم

«وَأَكْثَرَ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِهِمْ»؛^{۵۰} «و در روی آنان تبسم زیاد داشته باش.»

از آداب اجتماعی، که بزرگان هم خود به آن عمل کرده و هم دیگران را تشویق می کنند، این است که انسان همیشه متبسم و خنده رو باشد و با مردم با چهره‌ای باز و بشاش برخورد کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره تبسم بر لب داشتند و نیز جناب خضر به حضرت عیسی سفارش می کند: «كُنْ بِشَاشًا وَلَا تَكُنْ عَبَّاسًا»؛ «گشاده‌رو باش و ترش‌رو مباش.» چهره خندان سبب جلب محبت و دوستی می شود و چهره خندان خستگی سفر را برطرف می سازد.

حضرت می فرماید: «ایمان مؤمن کامل نمی شود مگر دارای صد و سه خصلت باشد؛ از جمله آن‌ها بشاش و خنده‌رو بودن است».^{۵۱}

و نیز علی علیه السلام فرمود: «گشاده‌رویی موجب دوام دوستی است.»^{۵۲}

۱۹. بخشندگی

«وَ كُنْ كَرِيمًا عَلَي زَادِك»؛^{۵۳} «در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش.»
و نیز در صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «وَ تَسْخُو نَفْسَكَ» از آنچه به همراه داری به همسفرانت ببخش چرا که «لَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الْإِطْعَامِ وَ لَذَّةُ اللَّئَامِ فِي الطَّعَامِ»؛ لذت افراد بزرگوار در خوراندن و لذت افراد پست در خوردن است.»
امیر مؤمنان علیه السلام اطعام را موجب تقویت شمرده، می‌فرماید: «قُوْتُ الْأَجْسَامِ الطَّعَامُ وَ قُوْتُ الْأَرْوَاحِ الْإِطْعَامُ.»^{۵۴}

۲۰. پذیرش دعوت

«وَ إِذَا دَعَوَكَ فَأَجِبْهُمْ.»^{۵۵} «اگر تو را دعوت کردند قبول کن.»

ادب اقتضا می‌کند که اگر همسفران به امری دعوت کردند، اجابت کنی و از رد احسان پرهیزی. در کتاب آداب معاشرت آمده است: «لَا يَرَدُّ الْإِحْسَانَ إِلَّا الْحِمَارُ.»

۲۱- حل مشکلات همسفران

«وَ إِذَا اسْتَعَانُوكَ فَأَعْنِهِمْ»؛^{۵۶} «و اگر از تو یاری خواستند، کمکشان کن.»
گاهی پیش می‌آید که همسفران به کمک تو نیاز دارند و چه بسا از دیگری ساخته نباشد، در چنین مواردی باید با کمال میل و روی باز، در حد توان در رفع مشکلات آن‌ها بکوشی. در روایات برای برآوردن حاجت دیگران، فوق‌العاده سفارش و تأکید شده و ثواب عظیمی برای آن بیان گردیده است. غواص دریای حدیث‌شناسی، محدث نوری در برآوردن حاجات مؤمنان همت عجیبی داشت! وقتی از راز مطلب پرسیدند فرمود: در میان مستحبات، پاداش هیچ عملی به زیارت سیدالشهدا نمی‌رسد، اما در عین حال در حدیثی دیدم که پاداش برآوردن حاجت مؤمن از زیارت سیدالشهدا بالاتر است.
در روایت تنبه آفرین دیگری، یکی از یاران امام باقر علیه السلام گوید: به امام علیه السلام گفتم: فدایت شوم! همانا شیعه نزد ما فراوان است! فرمود: آیا ثروتمندان به مستمندان کمک می‌کنند؟ آیا نیکوکار از

بدکار می گذرد؟ آیا با هم برابری و مساوات دارند؟ گفتیم: نه. فرمود:

«لَيْسَ هُوَ لِأَيِّ شَيْعَةٍ الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلْ هَذَا»^{۵۷} «این ها شیعه نیستند. شیعه کسی است که این چنین

عمل کند!»

جمیل گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند. پرسیدم:

چگونه؟ فرمود: یعنی برای هم فایده دارند و بعضی بر بعضی سود می رسانند...»^{۵۸}

۲۲- همکاری

«إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَأَعْمَلْ مَعَهُمْ»^{۵۹} «اگر دیدی کار می کنند تو نیز با آنان همراه باش.»

و در فراز دیگری از همین وصیت نامه آمده است: «وَ كُنْ لِأَصْحَابِكَ مُوَافِقًا إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ

عَزَّ وَجَلَّ»؛ «با دوستانت همراهی کن مگر در کاری که معصیت خدا باشد.»

۲۳- صدقه و قرض

«وَ إِذَا تَصَدَّقُوا وَ أَعْطُوا قَرْضًا فَأَعْطِ مَعَهُمْ»^{۶۰}

«اگر کسانی صدقه و قرض دادند، تو نیز با آنان همراهی کن.»

گاه پیش می آید که در سفر اموال کسی به سرقت می رود، در این صورت اگر مصلحت در

این بود که پولی به او قرض بدهند، خوب است با دوستان همراهی کنی و به مقدار توان به مال باخته

قرض بدهی.

۲۴- احترام بزرگ تو

«وَ اسْمِعْ لِمَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ سِنًّا»^{۶۱}

«و از کسی که سنش از تو بیشتر است حرف شنوی داشته باش.»

از آنجا که افراد دارای سن و سال از تجربه بیشتری برخوردار هستند، باید از نظریات آن ها

استفاده کرد. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ ... مِنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ»^{۶۲} «نظریه شخص

مسن و جا افتاده در نزد من، از حضور جوان بهتر است.»

۲۵- نماز به هنگام ورود و خروج

«وَ إِذَا نَزَلْتَ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ ... وَ إِذَا ارْتَحَلْتَ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ وَ وُدِّعِ الْأَرْضَ

الَّتِي حَلَّتْ بِهَا، وَ سَلَّمَ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا فَإِنَّ لِكُلِّ بُقْعَةٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»^{۶۳}
 «هرگاه در جایی اتراق کردی، پیش از آن که بنشیند دو رکعت نماز بگزار و وقتی که وارد مکانی شدی دو رکعت نماز بخوان و همچنین وقتی کوچ کردی دو رکعت نماز بخوان و آن گاه با سرزمینی که در آن فرود آمدی خداحافظی کن و بر آن و ساکنانش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است.»

۲۶- در سه چیز از آنان برتر باش

«وَ اغْلِبُهُمْ بِثَلَاثٍ: بِطَوْلِ الصَّمْتِ، وَ كَثْرَةِ الصَّلَاةِ، وَ سَخَاءِ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ، أَوْ مَالٍ، أَوْ زَادٍ»^{۶۴}
 «... در سه چیز از آنان برتر باش؛ خاموشی، کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا توشه‌ای که همراه داری.»

۲۷- شهادت به حق

«وَ إِذَا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَى الْحَقِّ فَاشْهَدْ لَهُمْ»^{۶۵}
 «اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند، شهادت بده.»

۲۸- همراهی

«وَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ فَاْمْشِ مَعَهُمْ»^{۶۶}
 «اگر همسفران راه افتادند، تو نیز با آنان راه بیفت.»

۲۹- مشورت

«وَ اجْهَدْ رَأْيَكَ لَهُمْ إِذَا اسْتَشَارُوكَ»^{۶۷}



«و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام توان اندیشه‌ات را برای آنان به کار گیر.»

در صحیحۀ معاویة بن عمار در آداب سفر آمده است:

۳۰- کنترل زبان

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَكَفَّ لِسَانَكَ»؛^{۶۸} «زبانت را نگاه دار.»

در نهج البلاغۀ مولای عارفان آمده است: «زبان حیوان درنده‌ای است که اگر رها شود نیش خواهد زد (می‌درد) چه بسا با یک سخن، شادی‌ها به غم، دوستی‌ها به دشمنی و محبت‌ها به کینه بدل شده است! لذا اگر می‌خواهیم سفری آرام داشته باشیم، باید در حفظ زبان بکوشیم. آقای حسن‌زاده زیبا سروده است:

بدیدم با نخ و سوزن لبانم همی دوزند و سوزد جسم و جانم
بدیدم با نخ و سوزن لبانم بگفتند این بود کیفر هر آن را

۳۱- کنترل خشم

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَأَكْظَمُ غَيْظِكَ»؛^{۶۹} «خشمت را کنترل کن.»

از آنجا که سفر معمولاً با کم خوابی، خستگی، گرما، سرما و تغییرات آب و هوا همراه است، زمینه ناراحتی و عصبانیت فراهم‌تر است؛ لذا امام صادق علیه السلام دعوت به حلم و بردباری می‌کند؛ چرا که غضب به منزله شعله آتش است که اگر در همان لحظه آغاز خاموش نشود، خسارات جبران‌ناپذیری به وجود می‌آورد. دادن صدقه، برای کنترل خشم بسیار مؤثر و مجرب است؛ **إِنْ شِئْتُمْ جَرِّئْتُمْ.**

۳۲- خودداری از لغویات

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَأَقَلُّ لَفْوِكَ»؛^{۷۰} «از سخنان لغو و بیهوده کم کن.»

بیشترین گناہانی که از انسان صادر می‌شود، از ناحیۀ «زبان» است. انسان نباید سخن بگوید، مگر آنجا که به حق و بجا باشد و گرنه، به یقین سکوت بهتر است. همیشه تعداد کسانی که از گفتن سخن پشیمان‌اند، به مراتب بیشتر است از کسانی که از «سکوت» پشیمان شده‌اند. لذا گفته شده: «مَنْ صَمَّتْ نَجًّا».^{۷۱} از وجود مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ فَضْلَاتِ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ

فَصَلَّاتٍ لِّسَانِهِ؛^{۷۲} «خوشا به حال کسی که انفاق کند زیادی های مالش را و نگاه دارد زیادی های زبانش را.»

عمل به این حدیث، در همه مواقع، بسیار مهم است؛ به خصوص در سفر که انسان باید سخاوت بیشتری داشته و مواظب باشد با گفتن کلام لغو و بی فایده ای، لذت سفر را به رنج مبدل نکند.

۳۳- هدیه

پیامبر خدا ﷺ «إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَيُهْدِيهِمْ وَيُطْرِفُهُمْ وَ لَوْ حِجَارَةً»^{۷۳}

«هرگاه یکی از شما به سفر رفت در بازگشت حتی اگر شده یک قطعه سنگ برای خانواده اش هدیه و تحفه بیاورد.»

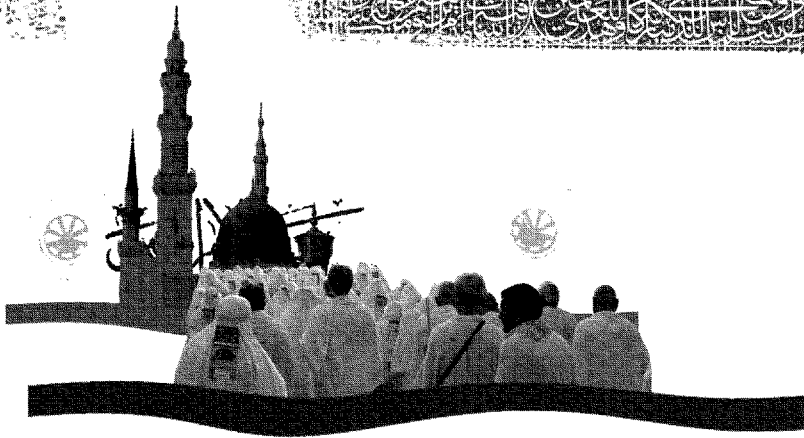
۳۴- نماز اول وقت

«يَا بَنِيَّ وَ إِذَا جَاءَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَلَا تُؤَخِّرْهَا لِشَيْءٍ وَ صَلَّهَا وَ اسْتَرِحْ مِنْهَا فَإِنَّهَا ذِينَ»^{۷۴}
«بهترین الگو برای ما مسلمانان، پیامبر خدا ﷺ و خاندان گرامی ایشان است. شیوه و مرام تمام این بزرگان بر این بود که به خاطر هیچ کاری نماز اول وقت را به تأخیر نمی انداختند حتی در سفر.»

در حالات ائمه معصومین علیهم السلام آمده است: «هرگاه زمان نماز فرامی رسید، اندامشان می لرزید، رنگ چهره شان دگرگون می شد، وقتی علت را جویا می شدند، می فرمودند: «لحظة اداى امانتى است که آسمان ها و زمین و کوه ها زیر بار آن نرفتند و آن را بر نتافتند!»^{۷۵}
و یا می فرمودند: «سزاوار است کسی که در پیشگاه خدا می ایستد، رنگش پریده و بندبند اعضایش بلرزد!»

امیر مؤمنان، علی رضی الله عنه در فرمانی به محمد بن ابی بکر - آنگاه که او را والی مصر قرار داد - چنین نگاشت:

«صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَهَا الْمُؤَقَّتَ لَهَا وَ لَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفِرَاعٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ»^{۷۶}



«نماز را در وقت معین آن به جا آور. نه به خاطر فراغت و بیکاری در انجام آن شتاب کن و نه به بهانه کار، آن را به تأخیر بینداز، بدان که همه اعمال تو بسته به نماز تو است.»

در قرآن کریم خداوند نسبت به کسانی که نسبت به نماز مسامحه و سهل انگاری می کنند، با لحنی تهدید آمیز سخن گفته است.
در سوره ماعون می فرماید:

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾^{۷۷}

«وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل اند! [و در انجام آن سهل انگاری می کنند].»

پیامبر خدا ﷺ نیز فرموده اند:

«نمازهای خود را تباه و ضایع نسازید؛ زیرا کسی که نمازش را ضایع کند، در روز قیامت با قارون و هامان محشور گردد و بر خداوند است که او را همراه با منافقین وارد آتش کند. پس وای بر کسی که مراقب نماز و انجام سنن آن نیست.»^{۷۸}

در حدیثی دیگر، امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود:

«شیطان از انسان مؤمنی که مراقبت می کند نمازهای پنج گانه اش را در وقت مقرر بخواند، در هراس است. پس هر گاه مؤمن نمازهای خود را ضایع نموده [نسبت به آن مراقبت نداشته باشد] شیطان جرأت یافته، آن فرد را به گناهان بزرگ مبتلا می کند.»^{۷۹}

امام صادق علیه السلام همچنین در حدیث مبسوطی فرمودند:

«ملك الموت شیطان را از کسی که نسبت به نماز خود مراقبت دارد، دور می کند و در لحظه حساس و خطرناک مرگ، شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را به او تلقین می کند.»^{۸۰}

از زبان برخی از ائمه: مکرر نقل شده که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«آن کس که نماز را سبک بشمارد، از من نیست و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نمی‌شود.»^{۸۱}

ابو بصیر گوید: بر اُمّ حمیده وارد شدم تا رحلت امام صادق علیه السلام را به ایشان تسلیت بگویم، پس او گریست و من نیز از گریه او گریستم. در این هنگام بود که گفت: ای ابا محمد، امام صادق علیه السلام هنگام مرگ چشمانش را گشوده، فرمود: هر کس را که میان من و او خویشاوندی هست، جمع کنید و ما همه را جمع کردیم. آنگاه امام به آنان نگریسته، فرمود:

«إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ»^{۸۲}.

«کسی که نماز را سبک شمارد، به شفاعت ما نمی‌رسد.»

با توجه به آنچه گفته شد، زائر سرزمین وحی باید بیش از گذشته نسبت به نماز اهمیت دهد و بکوشد در اول وقت آن را اقامه کند و هرگز هنگام نماز در کوچه و خیابان پرسه نزند و چهره شیعه را در نگاه و منظر دیگر مسلمانان خدشه دار نسازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر چیزی صورتی است و صورت دین شما نماز است. پس هیچ یک از شما چهره دین خود را زشت نکند.»^{۸۳}

نماز وسیله‌ای برای پاک کردن روح آدمی است. از این رو، باید به استقبال آن شتافت و در نخستین فرصت، روح و جان را از آلودگی‌ها پاک کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله تشبیه زیبایی در این زمینه داشته و به برخی از اصحاب خود فرمودند:

«اگر رو بروی در خانه هر یک از شما نه‌ری جاری باشد و هر روز پنج مرتبه خود را در آن بشوید، آیا چرکی در بدنتان باقی می‌ماند؟ گفتیم: نه. فرمود: مثل نماز نیز همچون نهر جاری است، هر نمازی را که بخوانید گناهان شما در فاصله بین نمازها را پاک می‌کند.»^{۸۴}

قرآز گوید: حضرت رضا علیه السلام برای استقبال از برخی علویان از شهر بیرون رفت. در این هنگام وقت نماز فرارسید. حضرت راه خود را به طرف کوشکی که در آن نزدیکی بود کج کرد و زیر صخره‌ای فرود آمد و فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر می‌مانم تا یارانمان هم به ما ملحق شوند. حضرت فرمود: خدا تو را بیمارزد، هرگز نمازت را بدون

علت از اول وقت به تأخیر مینداز. همیشه رعایت اول وقت را بکن، من اذان گفتم و نماز خواندیم.»

۳۵- نماز جماعت

لقمان علیه‌الرحمه در اندرز به فرزندش گفت:

«وَصَلِّ فِي جَمَاعَةٍ وَلَوْ عَلَى رَأْسِ زُجٍّ»^{۸۵}

«نماز را با جماعت بخوان گرچه بر سر نیزه باشد.»

از این بیان حکیمانه استفاده می‌شود که حتی در سخت‌ترین وضعیت نباید جماعت را ترک کرد! توصیه و تأکید اسلام بر نماز جماعت، حتی در مسافرت، به خاطر فواید عظیمی است که بر این فریضه الهی مترتب است؛ از جمله، نماز جماعت موجب کمک کردن به یکدیگر در راه نیکی و تقوا و باز داشتن از بسیاری از معاصی در پیشگاه خدای - عزّ و جلّ - است.^{۸۶}

۳۶- تلاوت قرآن

«عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دُمْتَ رَاكِبًا...»^{۸۷}

«بر تو باد که تا سوار مرکبی، قرآن بخوانی، و چون به کاری مشغولی، تسبیح بگویی...»

در مسافرت فرصت‌هایی پیش می‌آید که باید انسان ساعت‌ها در مکانی آرام بنشیند تا به مقصد برسد، مانند هواپیما. چه بسیار زیبا است که آدم فرصت را غنیمت شمرده و خود را در محضر قرآن قرار دهد. در عظمت قرآن همین بس که خداوند تعلیم قرآن را بر خلقت انسان مقدم داشته است؛ ﴿الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ از این بیان نورانی استفاده می‌شود که قرآن کریم بزرگترین نعمت الهی است؛ لذا خداوند آن را بر همه نعمت‌ها، حتی نعمت خلقت انسان مقدم داشت.^{۸۸}

۳۷- ذکر

«وَعَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلًا عَمَلًا وَعَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِيًا»^{۸۹}

«بر تو یاد به یاد خدا بودن، مادام که به کاری مشغولی و آنگاه که فارغ البال هستی، از دعا غفلت نکن.»

آنچه از تعالیم الهی استنباط می‌شود این است که سالک الی الله باید لحظه‌ای از یاد مولی غافل نشود. گر به همه عمر خود، با تو بر آرم دمی حاصل عمر آن دم است، باقی ایام رفت برای هر چیزی حدی بیان کرده‌اند جز یاد خدا که حد ندارد؛ «اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا».^{۹۰}

۳۸- حرکت در آخر شب

«وَإِیَّاکَ وَالسَّیْرَ مِنْ أَوَّلِ اللَّیْلِ وَ سِرِّ فِی آخِرِهِ».^{۹۱}
«از مسافرت در اول شب پرهیز و در آخر شب سفر کن.»

حرکت در آخر شب، علاوه بر این که بدن استراحت کرده و آمادگی بیشتری دارد، به روشنایی نزدیک می‌شود و چنانچه مشکلی اتفاق بیفتد، زودتر بر طرف خواهد شد.

۳۹- بلند نکردن صدا

«وَإِیَّاکَ وَرَفَعَ الصَّوْتِ فِی مَسِیرِکَ».^{۹۲}
«از بلند کردن صدا در سفر پرهیز کن.»

صدای بلند همواره با ناراحتی دیگران همراه است؛ گاهی ممکن است مانع خواب و سلب آسایش از دیگران شود.

۴۰- به همراه داشتن لوازم اولیه

لقمان در وصیت و سفارش خود به فرزندش می‌گوید:

«يَا بُنَّیَّ سَافِرٌ یَسِیرُکَ وَ خُفَّکَ وَ عِمَامَتِکَ وَ حَبَالِکَ وَ سِقَائِکَ وَ خُبُوطِکَ وَ مَخْرَزِکَ».^{۹۳}

«ای فرزند در مسافرت شمشیر، کفش، عمامه، طناب، مشک، نخ و درفش به همراه داشته باش.»

منظور این است که آنچه برای رفع نیازهای اولیه لازم است، باید همراه باشد؛ از قبیل لوازم دفاع شخصی، پوشاک، نوشیدنی و...
بدیهی است لوازمی که مسافر باید به همراه خود داشته باشد به گذشت زمان تغییر می کند.

۴۱- به همراه داشتن ادویه

«و تَزَوَّدُ مَعَكَ مِنَ الْأَدْوِيَةِ مَا تَنْتَفِعُ بِهَا أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ وَ كُنْ لِأَصْحَابِكَ مُوَافِقًا».^{۹۴}
«ادویه و داروهای که برای خود و همسفرانت نیاز می شود، همراه داشته باش.»

به طور معمول سفر همراه است با تغییر آب و هوا و غذا و ممکن است به داروهای خاص نیاز باشد که تهیه آن در سفر مشکل است ولی آوردن آن کم ترین زحمت و هزینه را ندارد، لذا مناسب است مسافر با توجه به مزاجش، داروی لازم همراه بردارد و اگر بر دیگران هم نیاز شد، به آن ها بدهد.

۴۲- انتخاب سالار

پیامبر ﷺ می فرماید: «إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ، فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ».^{۹۵}
«هرگاه سه نفر همسفر شدند، از میان خود یک نفر را به سالاری برگزینند.»

موارد فراوانی پیش می آید که باید یکی از چند امر انتخاب شود؛ لذا باید کسی که از تجربه کافی برخوردار است، به عنوان مدیر انتخاب شود تا تصمیمات مقتضی را بگیرد و از اتلاف وقت و سردرگمی جلوگیری شود.

۴۳- انتخاب هم سطح

امام علی عليه السلام: «لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرٍ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ عَلَيْكَ».^{۹۶}
«با کسی که در تو، نسبت به خودش برتری نمی بیند، همسفر نباش، آنگونه که تو برای او فضیلت و برتری نسبت به خود می بینی.»

خاتمه

مرگ در سفر:

در حدیث آمده که «مَوْتُ الْغَرِيبِ شَهَادَةٌ»؛^{۹۷} «مرگ در غربت شهادت است.»
علی علیه السلام بهشت را برای شش گروه ضمانت کرده است:

- کسی که برای صدقه (کار خیری) از منزل بیرون رود و بمیرد.

- کسی که برای عیادت مریض از منزل بیرون رود و بمیرد.

- کسی که برای جهاد در راه خدا از منزل بیرون رود و بمیرد.

- کسی که برای نماز جمعه از منزل بیرون رود و بمیرد.

- کسی که برای حج از منزل بیرون رود و بمیرد.

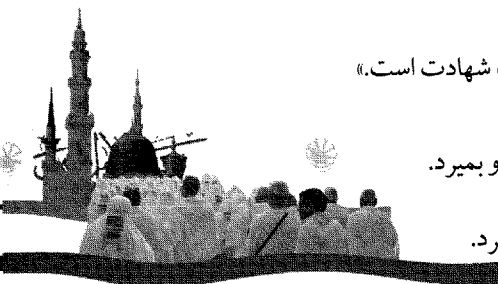
- کسی که برای تشییع جنازه از منزل بیرون رود و بمیرد.^{۹۸}

و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده: «مؤمنی نیست که در سرزمین غربت، به دور از خانواده اش بمیرد، مگر این که زمینی که در آن خدا را عبادت می کرده و لباس هایش و درهای آسمانی که عبادات او را به بالا می برده اند، بر او می گیرند و دو فرشته که موکل او هستند، بر او گریه می کنند.»^{۹۹}

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي أَرْضٍ غُرْبَةٍ تَغِيبُ عَنْهُ فِيهَا بِوَاكِبِهِ إِلَّا بَكَتَهُ بِقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَيْهَا وَبَكَتَهُ أَثْوَابُهُ وَبَكَتَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَتْ يَصْعَدُ فِيهَا عَمَلُهُ وَبَكَاهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلَانِ بِهِ.»^{۱۰۰}

و نیز فرمود: «إِنَّ الْغَرِيبَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ التَّمَتَّ يَمَنَةً وَ يَسْرَرَهُ وَ لَمْ يَرِ أَحَدًا رَفَعَ رَأْسَهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيَّ مَنْ تَلْتَمَعْتَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنِّي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَيْتَنُ أَطْلَقْتِكَ عَنْ عَقْدَتِكَ لِأَصْبِرْتِكَ فِي طَاعَتِي وَ لَيْتَنُ قَبَضْتُكَ لِأَصْبِرْتِكَ إِلَيَّ كِرَامَتِي.»

«وقتی مرگ غریب فرامی رسد به سمت راست و چپ نگاه می کند و کسی را نمی بیند



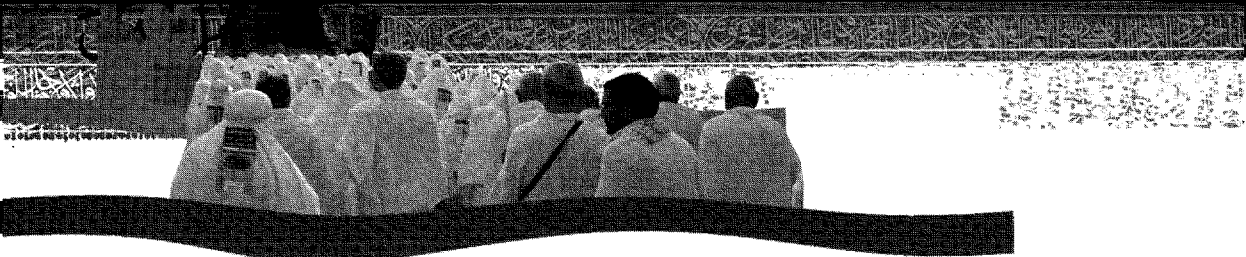
سرسش را بالا می برد و خداوند می فرماید: به کجا توجه می کنی؟ چه کسی از من برای تو بهتر است؟ به عزت و جلال خودم سوگند اگر تو را رها کنم [از بند مرگ] به بندگی خودم و ادارت کنم و اگر جانت را بگیرم تو را بهره مند از کرامت خود می کنم.»

با توجه به این که پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^{۱۰۱} و از آنجا که هدف مسافر، در موارد فوق، قرب الهی است، اگر دچار سانحه شود و از بین برود، به پاداش شهید نایل می شود و در رضوان الهی آرام می گیرد و چون هدفش با هدف شهید یکی بوده، از اجر شهید هم برخوردار خواهد بود.

مرحوم صاحب جواهر پس از بحث طولانی درباره مهمترین آداب سفر، احصای تمام آداب را غیر ممکن یا مشکل می داند و پس مشتاقان را به آثار سید ابن طاووس، علامه مجلسی (بحار الانوار) و محقق کاشانی (المحجّة البيضاء) و شیخ حر عاملی (وسائل الشیعه) ارجاع می دهد.

پی نوشت ها:

۱. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰۸؛ کتاب الحج؛ الوسائل، الباب ۱۳، من ابواب آداب السفر، ح ۱.
۲. عروة الوثقی، ذیل بحث الاغسال المندوبه.
۳. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۲۴۸.
۴. اربعین شیخ بهایی، ترجمه، تحقیق و تعلیق: عقیقی بخشایشی، ص ۴۵۳.
۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۲.
۶. وسائل الشیعه، باب ۱۵، ابواب آداب سفر، ح ۵.
۷. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰۸ به نقل از الحدائق الناضره.
۸. وسائل الشیعه، باب ۱۵، ابواب آداب سفر، ح ۷.
۹. همان، ج ۲.
۱۰. همان، ح ۳.
۱۱. وسائل الشیعه، باب ۸، ابواب الصدقه از کتاب زکات.
۱۲. وسائل الشیعه، باب ۱۸، ابواب آداب سفر، ح ۲.
۱۳. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰۹.
۱۴. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۷۵.
۱۵. همان.
۱۶. همان.
۱۷. وسائل الشیعه، باب ۱۹، ابواب آداب سفر، ح ۱.



۱۸. جواهر الکلام، ج ۸، ص ۵۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۷۷، باب ۹۱ از ابواب سفر، ح ۱
۱۹. وسائل الشیعه، باب ۲۴، ابواب آداب سفر، ح ۲
۲۰. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۸
۲۱. التحفه الرضویه، ص ۲۶۶، به نقل از انوار نعمانیه، ج ۴
۲۲. وسائل الشیعه، باب ۲۴، ابواب آداب سفر، ح ۳
۲۳. وسائل الشیعه، باب ۲۴، ابواب آداب سفر، ح ۴
۲۴. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۱۰
۲۵. التحفه الرضویه فی مجربات الامامیه، ص ۲۶۳
۲۶. همان، ح ۲
۲۷. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۱۰، وسائل الشیعه، باب ۱۹، ابواب آداب سفر، ح ۵. نگارنده گوید: این مطلب مجرب است، در شب مشعر حج ۸۵ چون مجبور شدید حدود چهل زائر که مسن ترین و ضعیف ترین افراد کاروان بودند، پیاده از اواسط مشعر الحرام تا جمرات برده و بعد از رمی شبانه، به خیمه های منا برگردانیم، یاد خدا و تلاوت قرآن به صورت دسته جمعی عامل اصلی این موفقیت بزرگ بود.
۲۸. زخرف: ۱۴-۱۳
۲۹. جواهر، ج ۶، ص ۵۱۳؛ وسائل الشیعه، باب ۲۰ از ابواب آداب سفر، ح ۷
۳۰. وسائل الشیعه، باب ۲، ابواب آداب سفر، ح ۵
۳۱. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۱۲، وسائل الشیعه، باب ۲۰، ابواب آداب سفر، ح ۱۲
۳۲. همان مأخذ، حدیث ۳؛ اسراء: ۸۱
۳۳. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۱۳، وسائل الشیعه، باب ۲۳، از ابواب آداب سفر، ح ۳
۳۴. وسائل الشیعه، باب ۳، از ابواب آداب سفر، ح ۳
۳۵. همان، حدیث ۴
۳۶. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۱۴، وسائل الشیعه، باب ۸ از ابواب آداب سفر، ح ۵
۳۷. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۱، وسائل الشیعه، باب ۷ از ابواب المزار.
۳۸. وسائل الشیعه، باب ۴۴ از ابواب آداب سفر.
۳۹. وسائل الشیعه، باب ۴۴ از ابواب آداب سفر.
۴۰. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۴۸۴، به نقل از بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۷، ح ۸؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۴؛ وسائل الشیعه، باب ۲۵ از ابواب آداب سفر، ح ۱. اصل حدیث این است: «عَلَيْكُمْ بِالْبَكْرِ وَإِنْ بَارَتْ وَالْجَادَّةُ وَإِنْ دَارَتْ وَبِالْمَدِينَةِ وَإِنْ جَارَتْ».
۴۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۴۹
۴۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۴۹-۳۴۸

۴۳. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۴۸۶، به نقل از بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۱، ح ۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۴؛
وسائل الشیعه، باب ۲۵ از ابواب آداب سفر، ح ۱
۴۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰
۴۵. وسائل الشیعه، باب ۳۵ از ابواب آداب سفر، ح ۲؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۴۶. وسائل الشیعه، باب ۳۵ از ابواب آداب سفر، ح ۱؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۲، حدیث ۴
۴۸. همان.
۴۹. همان.
۵۰. وسائل الشیعه، باب ۳۰ از ابواب آداب سفر، ح ۱؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۵۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۹، ح ۱۲۶۸۶
۵۲. المحجة فی الكتاب و السنه، ص ۶۷، ح ۲۰۱
۵۳. همان مأخذ.
۵۴. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۷
۵۵. همان مأخذ.
۵۶. وسائل الشیعه، باب ۳۵ از ابواب آداب سفر، ح ۱؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۵۷. کافی، ج ۴، ص ۱۷۱
۵۸. کافی، ج ۲، ص ۱۷۳
۵۹. همان.
۶۰. همان.
۶۱. وسائل الشیعه، باب ۳۵ از ابواب آداب سفر، ح ۱؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۶۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۶
۶۳. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۶۴. همان.
۶۵. جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۲۵
۶۶. همان.
۶۷. همان.
۶۸. همان.
۶۹. همان.
۷۰. همان.
۷۱. المحجة البيضاء، ج ۶، ص ۲۱۶

٧٢. بحار الانوار، ج ٦٨، ص ٢٨٧
٧٣. المحجة البيضاء، ج ٦، ص ٢١٦
٧٤. ميزان الحكمه، ج ٧، ص ٣١٣٠
٧٥. تفسير صافي، ج ٢، ص ٣٧٠
٧٦. نهج البلاغه، نامه ٢٧
٧٧. ماعون: ٧
٧٨. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٣٠، ح ٤٤٣١
٧٩. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٢٨، ح ٤٤٢٦
٨٠. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٢٩، ح ٤٤٢٩
٨١. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٢٥، ح ٤٤١٧
٨٢. همان، ص ٢٦، ح ٤٤٢٣
٨٣. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٢٤، ح ٤٤١٦
٨٤. وسائل الشيعه، ج ٤، ص ١٢، ح ٤٣٨٧
٨٥. همان، ص ٣١٤٠
٨٦. همان.
٨٧. كافي، ج ٨، ص ٣٤٨
٨٨. الميزان، ج ١٩، ص ٩٤
٨٩. جواهر الكلام، ج ٦، ص ٥٢٥
٩٠. احزاب: ٤١ و انفال: ٤٥
٩١. جواهر الكلام، ج ٦، ص ٥٢٥
٩٢. همان.
٩٣. همان.
٩٤. جواهر الكلام، ج ٦، ص ٥٢٥
٩٥. همان؛ بحار الانوار، ج ٧٦، ص ٢٧١، ح ٢٨
٩٦. همان؛ بحار الانوار، ج ٧٦، ص ٢٦٧، ح ٨
٩٧. وسائل الشيعه، باب ٢٣ از ابواب آداب سفر، ح ٩
٩٨. وسائل الشيعه، باب ٢٣ از ابواب آداب سفر، ح ٤
٩٩. وسائل الشيعه، باب ٢٣ از ابواب آداب سفر، ح ٣
١٠٠. جواهر الكلام، ج ٦، ص ٥١٣، وسائل، ج ١١، ص ٣٤٦
١٠١. وسائل الشيعه، ج ١، ص ٣٥، ح ٣

منابع و مأخذ

- ابن طاووس، علی بن موسی، الامان، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جامعه مدرسين، بی تا.
- بیهقی، علی بن زید، معارج نهج البلاغه، بوستان قم، ۱۳۸۴
- بهایبی (شیخ)، حسین، اربعین، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۳
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بی تا، بی نا.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵
- الرضوی، محمد الرضی، التحفة الرضویه فی مجربات الامامیه، بی تا، ۱۴۱۶
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جامعه المدرسين، بی تا، بی نا.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجة البيضاء، انتشارات اسلامی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- محمدی ری شهری. محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، لبنان، مؤسسه المرتضی العالمیه، دارالمورخ العربی، دار احیاء التراث، بی تا.